

تأثیر آموزش راهبردهای یادگیری مطالعه فراشناختی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

فاطمه عطارخامنه* و دکتر علی اکبر سیف**

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه فراشناختی بر انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ می باشد. تحقیق حاضر آزمایشی از نوع طرح پیش آزمون-پس آزمون است که، با گروه کنترل و یک گروه آزمایش انجام پذیرفته است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران که در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ مشغول به تحصیل بودند اند تشکیل می دهد. حجم نمونه در این پژوهش

*کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دبیر آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران
**استاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
Email: f_atarkhamene@yahoo.com

۵۶ نفر از دانش آموزان دختر پایه اول متوسطه بودند که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شد. در مرحله پیش آزمون میانگین هر دو گروه آزمایش و کنترل در راهبردهای یادگیری و مطالعه و انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی برابر بود. پس از ارائه ۱۰ جلسه آموزش راهبردهای فراشناختی به گروه آزمایش، نتایج پس آزمون انگیزش پیشرفت نشان داد که تفاوت معنی داری بین دو گروه وجود دارد و در این مقایسه نمره ی گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل بیشتر بوده است.

واژه های کلیدی: راهبردهای یادگیری و مطالعه، فراشناخت، انگیزش پیشرفت، پیشرفت تحصیلی.

مقدمه

در نظریه های جدید روانشناسی هوش، باوراکثریت بر این است که بخش مهمی از رفتار هوشمندانه را کارکرد های شناختی تشکیل می دهند. اهمیت رویکرد های جدید آن است که بر این باور پای می فشارند که به خلاف توانایی های ذاتی فرد که ارثی و غیر قابل تغییرند، کارکردهای شناختی، اکتسابی و تغییر پذیرند. بنابراین اعمال هوشمندانه قابل آموزش و یادگیری هستند (سیف، ۱۳۸۳: ۶۲). در خلال دهه های گذشته، مکاتب مختلف روانشناسی در حیطه یادگیری با تمرکز بر تفاوت های فردی، با ارائه نظریه به تدوین اصولی پرداخته اند و براساس آن روشهایی را طراحی و پیشنهاد کرده اند (مصطفائی، ۱۳۸۵).

در نظریه خبرپردازی، یادگیری به عنوان فرآیند دریافت محرکهای محیطی به وسیله گیرنده های حسی، گذر این محرکها از حافظه حسی و حافظه کوتاه مدت، به رمز در آوردن و معنی دار شدن و نهایتا قرار گرفتن در حافظه دراز مدت تعریف شده است. هر تدبیری که به این فرایند سهولت بخشد، به پردازش اطلاعات یا خبر و به یادگیری و یادآوری کمک می کند. تدابیری که به این منظور و توسط روانشناسان و صاحب نظران روانشناسی خبر پردازی، کشف و ابداع شده با نام مهارتهای یادگیری و مطالعه، یا به اصطلاح فنی تر، راهبردهای شناختی و

فراشناختی نام گذاری شده‌اند. راهبردهای فراشناختی عبارتند از تکنیک‌هایی که به دانش آموزان یاد داده می‌شود تا ضمن نظارت بر جریان یادگیری، فرایند های ذهنی خود را در تفکر، یادگیری و یادآوری هدایت کنند. راهبردهای فراشناختی به مجموعه راهبردهای برنامه ریزی، کنترل و نظارت و نظم دهی گفته می‌شود. نه تنها مهارت‌های یادگیری و مطالعه در یادگیری و پیشرفت تحصیلی بسیار مؤثر است، بلکه این مهارت‌ها از سوی معلمان و دانش آموزان قابل آموزش و یادگیری اند (سیف، ۱۳۸۶).

شناسایی مفهوم انگیزش و آگاهی از انگیزه های مختلف و تأثیر آنها بر فرآیند یادگیری دانش آموزان به معلم کمک می‌کند تا در طرح و اجرای برنامه های آموزشی خود روش‌های بهتری را به کار بندد. اصطلاح انگیزش را می‌توان به عنوان عامل نیرو دهنده، هدایت کننده و نگهدارنده رفتار تعریف کرد (سیف، ۱۳۸۰). انگیزش از مهمترین عناصر یادگیری در هر نوع محیط آموزشی است که حیطه وسیعی را در آموزش و پرورش در بر گرفته است. به طور کلی، انگیزش سطح انرژی و فعالیت افراد را افزایش می‌دهد، آنها را به طرف اهداف خاصی جهت داده و فعالیت‌های ویژه ای را موجب می‌شود (مصطفایی، ۱۳۸۵). انگیزش مانند آمادگی ذهنی یا رفتار های ورودی یک پیش نیاز یادگیری به حساب می‌آید و تأثیر آن بر یادگیری کاملاً آشکار است. یکی از سازه‌هایی که روانشناسان برای تبیین پیشرفت افراد از آن استفاده نموده اند، انگیزش پیشرفت است. گیچ و برلاینر (۱۹۹۲) انگیزه و پیشرفت را به صورت یک میل یا علاقه به موفقیت در یک زمینه فعالیت خاص تعریف کرده اند. طبق پژوهش های انجام شده، افراد دارای انگیزه پیشرفت زیاد در انجام کارها و از جمله یادگیری بر افرادی که از این انگیزه بی بهره اند پیشی می‌گیرند (گلستانی هاشمی، ۱۳۸۰).

سیف (۱۳۸۰) در این باره خاطر نشان کرده است که از طریق تدریس موثر، به رغم وجود انگیزش، در هر صورت، میزانی از انگیزش برای دانش آموز حاصل خواهد شد و او به احتمال زیاد از همین رضامندی اولیه از یادگیری، انگیزش بیشتری برای یادگیری کسب خواهد کرد. یادگیری و سپردن آموخته به ذهن از جمله مسائلی است که پیوسته برای دانش پژوهان و دانش آموزان مطرح بوده و تاکنون روشها و راههای مختلفی برای بهتر یاد گرفتن و خوب آموختن از سوی صاحب نظران بیان شده است. تجربه نشان داده است که بسیاری از دانش آموزان ساعتها مطالعه می کنند، اما نتیجه ای که می گیرند رضایت بخش نیست و درصد آموخته ها پایین است. این افراد به علت بی خبری از روشهای درست یادگیری و مطالعه، کوشش زیادی را برای یادگیری انجام می دهند و وقت و انرژی زیادی را تلف می کنند؛ ولی به نتیجه مطلوب دست نمی یابند در صورتی که آنان می توانستند با استفاده از راهبردهای صحیح یادگیری و مطالعه، مطالب را بهتر و راحت تر یاد بگیرند و در امتحانات موفق باشند (کرمی، ۱۳۸۱).

از نظر البام و همکاران (۱۹۹۳) اصطلاح راهبردهای یادگیری به انواع زیادی از اعمال ارادی و آگاهانه اطلاق می گردد که به وسیله فراگیران برای دستیابی به اهداف یادگیری اتخاذ می شود. این راهبردها دامنه ای از فعالیتهای کلی از قبیل مرور ذهنی اطلاعات یا انتقال اطلاعات جدید به دانش ذخیره شده موجود را در بر می گیرد. میلر (۲۰۰۲، به نقل بیابانگرد، ۱۳۸۴: ۲۶۷) فراشناخت^۱ را «شناخت درباره شناخت» یا «دانش درباره دانستن» معرفی می کند. بنابراین، فراشناخت عبارت است از دانش فرد درباره چگونگی یادگیری خودش (اسلاوین، ۲۰۰۶: ۱۹۲ به نقل سیف، ۱۳۸۶: ۲۸۵). فراشناخت کلیدی است برای توانایی شناختی، که به افراد اجازه می دهد تا افکارشان را کنترل و بازسازی کنند و نقش اساسی در یادگیری ایفا می کند (گاس و ویلی،

^۱- Metacognition

۲۰۰۷). واترمن، پی تر^۱ (۱۹۸۲ به نقل لورنا^۲، ۱۹۹۲) بیان می کنند که افراد موفق کسانی هستند که خوب برنامه ریزی می کنند اهداف ویژه را تشخیص می دهند و معرفی می نمایند و راهبردها را طرح ریزی می کنند. مهمترین امتیاز دانش فراشناختی این است که یادگیرنده را قادر می سازد تا لحظه به لحظه از فعالیت یادگیری خود و چگونگی پیشرفت کارش آگاه باشد و هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف خودش را تشخیص دهد (سیف، ۱۳۸۶).

معلمان از طرق آموزش دقیق دانش آموزان، می توانند آنان را به سوی تفکر هدفمند سوق دهند (فوگارتی و مک تای، ۱۹۹۳). پژوهش نشان داده است که آموزش دقیق راهبردهای فراشناختی به دانش آموزان کلاس پنجم موجب بهبود سطح دانش و عملکرد آنان شده است (لوکانجلی و دیگران ۱۹۹۵). با این حال ذکر این نکته نیز جالب است که بسیاری از معلمان از مهارتهای فراشناختی خود استفاده نمی کنند و این امر موجب می شود تا در آموزش این مهارتها به دانش آموزان خود، دچار مشکل شوند (زوهار، ۱۹۹۹).

پیشینه پژوهش

پژوهشهای گوناگونی درباره چگونگی تأثیر استفاده از راهبردهای فراشناختی انجام گرفته و عموماً نشان داده اند یادگیرندگانی که از راهبردهای درست و متناسب با تکالیف یادگیری استفاده می کنند در فعالیتهای یادگیری خود به پیشرفت بیشتری دست می یابند. گارنر (۱۹۹۰) مطرح کرده است که پژوهش های موجود به روشنی نشان می دهند که رفتار راهبردی یا استراتژیکی یادگیری را افزایش می دهد. همچنین روشن شده است که یادگیرندگان ماهرمی دانند که چه زمانی باید

^۱ - Waterman & Peters

^۲ - Lorna

استراتژیکی عمل کنند. واینستان و هیوم (۱۹۹۸) نیز تعدادی پژوهش را با این نتایج ذکر کرده اند که معلمان می توانند از راه آموزش مهارتهای یادگیری و مطالعه، به دانش آموزان خود کمک کنند تا یادگیرندگان موفق تری باشند و در سرنوشت تحصیلی خود نقش فعال تری ایفا نمایند (به نقل سیف، ۱۳۸۶).

فلاول (۱۹۸۸) نشان داد، دانش آموزان ضعیف اغلب بی توجه به استراتژی های یاد آوری هستند، در فعالیتهای فراشناختی درگیر نمی شوند و احساس نیاز به درگیری در این زمینه نمی کنند. اتر^۱ و همکاران (۱۹۹۷) در مطالعه ای روی دانش آموزان دبیرستانی به این نتیجه رسیدند که بین نظارت فراشناختی بر درک مطلب با معدل کل ، همبستگی مثبت معنا دار وجود دارد. در این مطالعه نیز رابطه ای بین جنسیت و نظارت فراشناختی مشاهده نشد.

دی گارت^۲ (۲۰۰۱) در مطالعه ای روی دانش آموزان پایه هفتم در درس های این پایه به این نتیجه رسید که فراشناخت با عملکرد دانش آموزان همبستگی مثبت دارد؛ در حالیکه اضطراب امتحان با آن همبستگی منفی دارد. همچنین دانش آموزان موفق تر نسبت به دانش آموزان ضعیف تر به میزان بیشتری از راهبردهای فرا شناخت استفاده می کردند. در این مطالعه تفاوتی بین فراشناخت دختران و پسران در عملکرد تحصیلی دیده نشده است.

جرالد^۳ (۲۰۰۱) در بررسی پژوهش های صورت گرفته در آمریکا در زمینه تأثیر راهبردهای فراشناختی در پیشرفت تحصیلی چنین گزارش کرده که در میان حوزه های پژوهشی، بررسی تأثیر راهبردها بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. بر اساس این پژوهش ها خوانندگان مسلط تر، انواع بیشتری از راهبردهای فراشناختی را مورد استفاده قرار می دادند و در این زمینه

^۱ - Eter

^۲ - Digarat

^۳ - Gerald

پشتکار بیشتری نشان می دادند و معمولاً از نظر پیشرفت تحصیلی در سطح بالاتری قرار داشتند (پرویزی، ۱۳۸۵).

روو (۱۹۹۸) در مطالعه ای بر روی مهارتهای فراشناختی نشان داد که تاکید بیشتر بر فرآیند یادگیری بر نتایج موجب رشد مهارتها در افراد می گردد به نحوی که آنان می توانند از عهده تکالیف جدید و مسائل دشوار برآیند. این مطالعه نشان داد که دانش و مهارتهای فراشناختی نقش مهمی در فرآیندهای شناختی و یادگیری درازمدت دارد (فرقانی رامندی، ۱۳۸۴).

حیدری (۱۳۸۰) در پژوهشی دیگر نشان داد که اجزای دانش فراشناختی با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت داشته و اطلاعات دانش آموزان از مهارتهای فراشناختی و به کارگیری آنها در فرآیند آموزش و یادگیری، عملکرد تحصیلی آنها را بهبود می بخشد. همچنین این پژوهش متغیر دانش شخصی درباره خود را در پیشرفت تحصیلی بیشتر سهم دانسته و نشان می دهد که ۵۶٪ واریانس پیشرفت تحصیلی به وسیله این متغیر پیش بینی می شود (فردی یزدی، ۱۳۸۴).

کرمی (۱۳۸۱) در پژوهشی نتیجه گرفت که:

- دانش آموزان قوی بیشتر از دانش آموزان ضعیف از راهبردهای یادگیری و مطالعه استفاده می کنند.

- با استفاده از نمرات راهبردهای یادگیری و مطالعه، می توان پیشرفت تحصیلی را پیش بینی کرد و در این مورد دانش و کنترل خود بیشترین توانایی را در پیشرفت تحصیلی دارد.

پژوهشهای نیز در رابطه با انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی انجام شده است. مثلاً، مک کلند و همکاران (۱۹۵۳) دریافتند که گروه دارای انگیزه پیشرفت زیاد در عملکردهای خود از گروه دارای انگیزه پیشرفت کم، پیشی گرفته و جلو افتاده اند. در پژوهشی دیگر، اتکینسون و

راینر^۱ (۱۹۷۴) دریافتند که یادگیرندگان برخوردار از انگیزش پیشرفت بالا، در قیاس با یادگیرندگان دارای انگیزش پیشرفت پایین، از خود پشتکار و جدیت بیشتری در انجام تکالیف بروز می دهند و در آزمونها و امتحانات عملکرد بهتری دارند (پشمینه، ۱۳۸۶). در تحقیقی که توسط لایت بادی^۲ (۱۹۹۶) انجام شد تأثیر حالات رفتاری و انگیزش پیشرفت دانش آموزان در میزان کشش آنها به سمت موفقیت تحصیلی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت. بر طبق این گزارش بین انگیزش پیشرفت و موفقیت رابطه معنی دار وجود دارد. در تحقیقی که توسط چیو^۳ (۱۹۹۷) بر روی ۲۰۶۳ دانش آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان انجام شده نتایج نشان داد که بین انگیزه پیشرفت و موفقیت تحصیلی رابطه معنی دار وجود دارد. در ایران نیز خرمی (۱۳۷۹) در تحقیقی که بر روی ۲۰۵ نفر از دانش آموزان سال سوم دبیرستان ریاضی فیزیک انجام داده بود به این نتیجه رسید که از میان متغیرهای انگیزه پیشرفت و هوش و عزت نفس، انگیزش پیشرفت بهترین پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر است. رضایی در بررسی رابطه بین حافظه فعال، انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان سال سوم متوسطه به این نتایج دست یافت که بین حافظه فعال و انگیزش پیشرفت و همچنین انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد (رضایی، ۱۳۸۵). بنابراین پژوهشهای انجام شده در این رابطه، نشان داده اند که افراد دارای انگیزه پیشرفت زیاد در انجام کارها، از جمله یادگیری، بر افرادی که از این انگیزه بی بهره اند، پیشی می گیرند (سیف، ۱۳۸۶).

بنابراین فرضیه های پژوهش عبارتند از:

^۱- Raynor

^۲- Light body

^۳- chiv

- ۱) آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) بر انگیزش پیشرفت دانش آموزان دختر دوره متوسطه تأثیر مثبت دارد.
- ۲) آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر دوره متوسطه تأثیر مثبت دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، با توجه به هدف و فرضیه های آن، یک پژوهش آزمایشی است. در این پژوهش از طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه گواه و آزمایش استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر دبیرستان شهر تهران که در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۸۶ مشغول به تحصیل بودند تشکیل می دهد. حجم نمونه در این پژوهش ۵۶ نفر از دانش آموزان دختر پایه اول دوره متوسطه بودند. از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای برای انتخاب نمونه استفاده شد به این صورت که تصادفی ساده به گروه کنترل و آزمایش تقسیم شدند؛ در شرایط یکسان و طبیعی و همزمان، پیش آزمون مربوط به پرسشنامه راهبردهای یادگیری و مطالعه و پرسشنامه انگیزش پیشرفت از هر دو گروه به عمل آمد و به منظور بررسی وضعیت تحصیلی دانش آموزان نمرات درسی آزمودنی ها از دفتر امتحانات دبیرستان استخراج شد و میانگین درسی هر دانش آموز در نیمسال اول به همراه نتایج پرسشنامه های اجرا شده، ثبت و نگهداری شد. پس از اجرای پیش آزمون دوره آموزش مورد نظر برای گروه آزمایش شروع شد.

دوره آموزش هفته سوم فروردین ماه شروع شد. دو جلسه از آموزش قبل از تعطیلات نوروزی و ۸ جلسه بعد از تعطیلات برگزار گردید. در طی دوره آموزش دانش آموزان با فعالیتهای مربوط به راهبردهای برنامه ریزی، نظارت و ارزشیابی و نظم دهی (که بطور کامل در جدول شماره ۱ ذکر شده) با ارایه توضیحات لازم مربوط به بخش تئوری مطالب (توسط آموزش دهنده)

و همچنین به صورت عملی و با انجام تکالیف تعیین شده (با نظارت و کنترل آموزش دهنده) آشنا شدند.

پس از پایان دوره آموزش مجدداً همزمان و در شرایط یکسان پس از آزمون مربوط به پرسشنامه راهبردهای یادگیری و مطالعه و پرسشنامه انگیزش پیشرفت هرمنس، از هر دو گروه (آزمایش و کنترل) به عمل آمد و پس از پایان امتحانات نیمسال دوم با استفاده از میانگین درسی دانش‌آموزان وضعیت تحصیلی آنها استخراج شد.

ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: الف) پرسشنامه ۴۴ سوالی راهبردهای یادگیری و مطالعه. جهت تعیین روایی این پرسشنامه از نظر اساتید و متخصصین روش تحقیق استفاده شد. در تعیین پایایی پرسشنامه راهبردهای یادگیری و مطالعه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرانباخ $0/78$ به دست آمد. ب) پرسشنامه ۲۹ سوالی انگیزش پیشرفت (هرمنس). پایایی پرسشنامه انگیزش پیشرفت با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/80$ به دست آمده است. ج) معدل درسی نیمسال اول و دوم تحصیلی دانش‌آموزان نیز برای تعیین وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گرفته است. با استفاده از آزمون t نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

برای بررسی یافته‌ها ابتدا به بررسی نتایج توصیفی پرداخته می‌شود.

جدول ۱: آمار توصیفی - پیش آزمون و پس آزمون گروه کنترل و آزمایش

	گروه	میانگین	انحراف معیار
معدل ترم اول پیش آزمون	آزمایش	۱۲,۲۰۴۶	۱,۵۶۸۴۴
	کنترل	۱۲,۱۷۰۴	۱,۶۶۴۷۹
راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) پیش آزمون	آزمایش	۳۰,۰۰۰۰	۱۰,۷۵۶۵۷
	کنترل	۳۰,۱۰۷۱	۱۰,۷۸۴۱۱
انگیزش پیشرفت پیش آزمون	آزمایش	۷۷,۲۱۴۳	۷,۳۱۴۹۱
	کنترل	۷۷,۲۸۵۷	۸,۰۰۱۴۷
معدل ترم دوم پس آزمون	آزمایش	۱۳/۲۰۵۴	۱/۵۸۹۳۷
	کنترل	۱۲/۱۸۵۷	۱/۸۰۸۶۲
راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) پس آزمون	آزمایش	۳۷/۷۵۰۰	۱۲/۲۰۳۹۰
	کنترل	۳۱/۶۰۷۱	۸/۴۳۸۶۲
انگیزش پیشرفت پس آزمون	آزمایش	۸۵/۶۰۷۱	۶/۷۱۲۸۴
	کنترل	۷۸/۱۷۸۶	۱۱/۰۶۸۹۹

تعداد مشاهدات: ۲۸

با توجه به تأثیر آموزش ارایه شده به گروه آزمایش تفاوت میانگین درسی در دو گروه مشاهده می شود. میانگین انگیزش پیشرفت گروه آزمایش پس از دریافت آموزش بیشتر از گروه کنترل افزایش داشته است.

فرضیه اول پژوهش: آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) بر انگیزش پیشرفت دانش آموزان دختر دوره متوسطه تأثیر مثبت دارد.

برای بررسی تفاوت راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) در دو گروه گواه و آزمایش با توجه به معنی دار بودن F برابری واریانسها از روش t گروه های مستقل با فرض عدم برابری واریانس ها استفاده شد که نتایج زیر به دست آمد

جدول ۲: مقایسه انگیزش پیشرفت پس آزمون گروه کنترل و آزمایش

t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاضل میانگین ها
۳/۰۳۶	۴۴/۴۹۴	/۰۰۴	۴/۴۲۸۵۷

میزان آماره t برابر ۳/۰۳۶ با درجه آزادی ۴۴/۴۹ و سطح معناداری ۰/۰۰۴ است. چون میزان سطح معناداری از میزان خطای ۰/۰۵ کمتر است فرض برابری میانگین انگیزش پیشرفت پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش، رد می شود. متوسط انگیزش پیشرفت در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل است که بیان کننده تأثیرگذاری آموزشهاست.

فرضیه دوم پژوهش: آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر دوره متوسطه تأثیر مثبت دارد.

برای بررسی تفاوت راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) در دو گروه گواه و آزمایش با توجه به معنی دار نبودن F برابری واریانسها از روش t گروه های مستقل استفاده شد که نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۳: مقایسه راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) پس آزمون گروه

کنترل و آزمایش

t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاضل میانگین ها
۲/۱۹۱	۵۴	/۰۳۳	۳۶/۱۴۲۸۶

میزان آماره t برابر ۲/۱۹۱ با درجه آزادی ۵۴ و سطح معناداری ۰/۰۳۳ است. چون میزان سطح معناداری از میزان خطای ۰/۰۵ کمتر است فرض برابری میانگین راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش رد می گردد. متوسط راهبردهای یادگیری و مطالعه فراشناختی در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل است. برای بررسی تفاوت میانگین های وضعیت تحصیلی در دو گروه گواه و آزمایش با توجه به معنی دار نبودن F برابری واریانسها از روش t گروه های مستقل استفاده شد که نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۴: مقایسه معدل ترم دوم (پس آزمون) گروه کنترل و آزمایش

t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاضل میانگین ها
۲/۲۴۱	۵۴	/۰۲۹	۱/۰۱۹۶۴

میزان آماره t برابر ۲/۲۴۱ با درجه آزادی ۵۴ و سطح معناداری ۰/۰۲۹ است. چون میزان سطح معناداری از میزان خطای ۰/۰۵ کمتر است فرض برابری میانگین معدل ترم دوم پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش، رد می شود. میزان تفاضل میانگین ها برابر ۱/۰۱ است که بیان کننده این نکته است که معدل ترم دوم پس آزمون گروه آزمایش با معدل ترم دوم گروه کنترل در مرحله

پس آزمون، دارای اختلاف معنادار است و دانش آموزان گروه آزمایش دارای معدل بیشتری هستند.

بحث و نتیجه گیری

بررسی نتایج موجود نشان داد که وضعیت هر دو گروه در مرحله پیش آزمون تقریباً یکسان است و در میانگین معدل درسی نیمسال اول و انگیزش پیشرفت و میزان آشنایی دانش آموزان با راهبردهای فراشناختی تفاوت معنادار مشاهده نمی شود.

در این بررسی فرضیه اول مبنی بر این که آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) بر انگیزش پیشرفت دانش آموزان دختر دوره متوسطه تأثیر مثبت دارد، مورد تأیید قرار گرفته است و با نتایج پژوهش های انجام شده توسط مک کلند و همکاران (۱۹۵۳) که نشان می دهد گروه دارای انگیزه پیشرفت زیاد در عملکردهای خود از گروه دارای انگیزه پیشرفت کم پیشی گرفته و جلو افتاده اند؛ اتکینسون، راینر^۱ (۱۹۷۴) که دریافتند یادگیرندگان برخوردار از انگیزش پیشرفت بالا، در آزمونها و امتحانات عملکرد بهتری دارند. و تحقیقات لایت بادی (۱۹۹۶)، چيو (۱۹۹۷)، خرمی (۱۳۷۹) و رضایی (۱۳۸۵) که نشان داند بین انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد، همخوانی وجود دارد.

فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این که آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر دوره متوسطه تأثیر مثبت دارد، نیز مورد تأیید قرار گرفته است و با نتایج پژوهشهای انجام شده توسط گارنر (۱۹۹۰) که مطرح کرده است رفتار راهبردی یا استراتژیکی یادگیری را افزایش می دهد؛ فلاول (۱۹۸۸) که نشان داد دانش آموزان ضعیف اغلب در فعالیتهای فرا شناختی درگیر نمی شوند؛ دی گارت (۲۰۰۱)، جرالده (۲۰۰۱) و حیدری

^۱ - Raynor

(۱۳۸۰) که نشان دادند که بین به کارگیری راهبردهای فراشناختی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان همبستگی مثبت و رابطه معنادار وجود دارد. و کرمی (۱۳۸۱) که نشان داد می توان با استفاده از نمرات راهبردهای یادگیری و مطالعه، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی کرد، همخوانی وجود دارد.

تفاوت اساسی بین پژوهش حاضر و پژوهشهای بررسی شده در این است که متغیرهای مورد نظر در سایر پژوهشها دو به دو بررسی شده اند، اما در پژوهش حاضر هر سه این متغیرها یک جا مورد بررسی قرار گرفته اند. و علاوه بر این در برخی پژوهشها چنسیت مورد بررسی قرار گرفته است ولی در این تحقیق به آن پرداخته نشده است.

یافته‌های حاصل نشان دادند که معدل ترم دوم (پس آزمون) گروه آزمایش با معدل ترم دوم گروه کنترل دارای اختلاف معنادار است و دانش آموزان در گروه آزمایش دارای معدل بیشتری هستند. همچنین میانگین راهبردهای یادگیری و مطالعه (فراشناختی) در پس آزمون در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل است و میانگین انگیزش پیشرفت (پس آزمون) در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل است و اختلاف میانگین‌های دو گروه در پس آزمون بیان‌کننده تأثیرگذاری آموزشهاست و یعنی رابطه معنادار بین آموزش راهبردهای فراشناختی و انگیزش پیشرفت و همچنین رابطه معنادار بین راهبردهای فراشناختی و پیشرفت تحصیلی تأیید می‌شود. اکثر دانش آموزان ما قادر به تفکر درباره‌ی تفکر خود و فرایندهای مهم اثرگذار بر یادگیری خود هستند.

یک برداشت ضمنی از پژوهش های انجام شده این است که «انجام دادن» و «باید انجام دادن» یکی نیستند. دانش آموزانی که باید بتوانند خود را درگیر فراشناخت کنند، معمولاً این کار را انجام نمی دهند. بنابراین این مسئله را باید مورد بررسی قرار داد که معلمان چگونه می توانند

فعالیت‌های فراشناختی دانش‌آموزان خود را مورد تشویق و ترغیب قرار دهند. علی‌رغم این واقعیت که موضوع اصلی تفکر دانش‌آموزان درباره تفکر خودشان است، پژوهش‌هایی وجود دارند که قویاً از نقش معلم در فراشناخت دانش‌آموزان پشتیبانی می‌کنند. که در پژوهش حاضر و پژوهش‌های بررسی شده در پیشینه نقش معلم در این زمینه دقیق و مشخص بررسی نشده است.

با توجه به این که نه تنها مهارت‌های یادگیری و مطالعه (راهبردهای شناختی و فراشناختی) در یادگیری و پیشرفت تحصیلی بسیار موثر است، بلکه این مهارت‌ها از سوی معلمان و دانش‌آموزان قابل آموزش و یادگیری هستند، ضرورت آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه (شناختی و فراشناختی) احساس می‌شود تا دانش‌آموزان هر چه بیشتر نسبت به آن‌ها برای یک یادگیری فعال لازم است آگاهی یافته و در عمل بتوانند بر فرایند یادگیری نظارت داشته باشند و با دریافت تقویت درونی در این زمینه، انگیزش لازم را برای ادامه یادگیری به دست آورده و موفقیت تحصیلی بالاتری کسب نمایند.

بنابراین، توجه به نحوه یادگیری و مطالعه دانش‌آموزان و اصلاح به موقع آن از طرف معلم و همچنین توجه به عوامل مختلف موثر در یادگیری که یکی از آنها انگیزش پیشرفت است می‌تواند در بهره‌مندی دانش‌آموزان از موقعیت‌های یادگیری و تحصیلی بسیار موثر و مفید واقع گردد.

منابع

- ۱- اسدزاده، ح. (۱۳۸۵). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات عابد.
- ۲- باقری، م. (۱۳۷۲). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند و پروری و رابطه آن با انگیزش پیشرفت و رابطه انگیزش پیشرفت با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.

- ۳- پرویز، ک. (۱۳۸۴). بررسی رابطه راهبردهای شناختی و فراشناختی با میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان شهری و روستایی مقطع متوسطه. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴- پشمینه، ا. (۱۳۸۶). تأثیر روشهای آموزش فعال در میزان سازگاری و انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان متوسطه دختر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۸۶. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- ۵- رضائی، ج. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین حافظه افعال، انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم مقطع متوسطه شهرستان سرپل ذهاب در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
- ۶- سیف، ع. ا. (۱۳۸۰). روانشناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه
- ۷- سیف، ع. ا. (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: نشر دوران
- ۸- سیف، ع. ا. (۱۳۸۳). روشهای یادگیری و مطالعه. تهران: نشر دوران.
- ۹- عبدوس، م. (۱۳۸۰). بررسی تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی بر پژوهش خلاقیت دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا.
- ۱۰- فرقانی رامندی، ف. (۱۳۸۴). بررسی ارتباط بین راهبردهای یادگیری و خلاقیت در دانش‌آموزان دختر سوم متوسطه ناحیه ۱ شهر قزوین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- ۱۱- فردی یزدی، ن. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش راهبردهای یادگیری (شناختی و فراشناختی) بر پیشرفت تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۲- کرمی، ا. (۱۳۸۱). تدوین ابزار سنجش راهبردهای یادگیری و مطالعه و تعیین رابطه این راهبرد با پیشرفت تحصیلی. رساله دکتری، تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۳- گلستانی هاشمی، س. م. (۱۳۸۰). خود انگاره و پیشرفت تحصیلی، مجله پیوند، شماره ۲۴.

۱۴- مسگران، ح. (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت دانش آموزان سال سوم متوسطه شهرستان کرج و پیشرفت تحصیلی آنها. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

۱۵- مصطفائی، ع. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی بر منبع کنترل دانش فراشناختی و انگیزش پیشرفت در دانش آموزان پسر سال سوم راهنمایی شهرستان بوکان. تبریز: دانشگاه تبریز.

16- Brian wiley, c.dominik guss. (2007). Meta cognition of problem – solving strategies in brazil , India, and the united states. Journal of cognition and culture 7.

17- Elaine payn & Lesley Whittaker. (2000). Developing Essential study skills

18- Flavell, J. H. (1988). Cognitive development. Englewood cliffs, N.J. Prentice – hall.

19- Lorna, K.s. (1992). Relationship of motivation, strategic learning and reading achievement in grades 5, 7 and 9 Journal of Experimental Educational, 62 (3), 319-339.

20- Pintrich, P.R. and peg root , E.V. (1990). Motivational self-regulated Learning components of classroom academic performance. Journal of Educational psychology 82 (1), 75, 82.

21- Zohar, A. (1999). Teacher`s meta cognitive knowledge and the instruction of higher order thinking.